تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۰۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۲
نوع مقاله: پژوهشی

تحلیل نشانه‌شناختی سریال طنز تلویزیونی نون.خ

نوشتهٔ
زهرا نامور *
آتنا برناسی **

چکیده

ما اغلب، برای ادراک جهان پیرامون خود از واسطه‌ای تصویرساز به نام رسانه استفاده می‌کنیم، که واقعیت در متون آن پیشاپیش رمزگذاری می‌شود؛ رمزگذاری‌هایی که در روند ادراک و القای ایدئولوژی، منجر به رمزگشایی‌های مختلفی می‌شوند. رسانهٔ پرمخاطب تلویزیون، نقش مهمی در آموزش مفاهیم اخلاقی و تربیتی، سرگرم‌سازی، تولید و جهت‌دهی ایدئولوژیکی و الگوسازی در جامعه دارد. برنامه‌های تلویزیونی و به‌ویژه سریال‌های ایرانی، نه‌تنها آیینه‌ای برای بازنمایی شرایط اجتماعی موجود در یک جامعه هستند، بلکه به عنوان الگوی ایدئولوژیکی گفتمان‌ها برای اعضای جامعه نیز عمل می‌کنند.

مطالعهٔ حاضر، با بهره‌گیری از روش توصیفی ـ تحلیلی و نظریهٔ نشانه‌شناسی جان فیسک، با هدف توصیف نشانه‌شناختی از نحوهٔ بازنمایی رمزگان‌های مختلف اجتماعی و ایدئولوژیکی حاضر در روابط موجود در سریال طنز نون.خ در پی پاسخ به این سوال است که لایه‌های صریح و پنهان معانی گفتمانی در این سریال تلویزیونی به چه نحوی کدگذاری شده و کارکرد ایدئولوژیکی آن چگونه است. نتایج پژوهش نشان داد این سریال، به‌مثابهٔ یک متن، مضامین خاصی را در قالب گفتمان‌های غالب اصالت‌گرایی، جمع‌گرایی، همنوع‌گرایی، طبیعت‌گرایی، از خود گذشتگی و انسانیت‌گرایی مردم‌سالارانه و به واسطهٔ مجموعه‌ای از نمادها، کنش‌ها، موقعیت‌ها، دیالوگ‌ها و الگوهای رفتاری برساخته است.

کلیدواژه: نشانه‌شناسی، سریال تلویزیونی، سریال طنز نون.خ.

* استادیار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور قزوین، قزوین، ایران (نویسنده مسئول) Znamvar26@gmail.com
** کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام‌نور قزوین، قزوین، ایران atena.bornasi@gmail.com

مقدمه

از آنجا که نگرش‌ها و شرایط اجتماعی، در تولیدات رسانه‌ای بازتاب داده می‌شوند، می‌توان به بررسی نحـوهٔ تولید و بازنمایی معنا و الگوهای ایدئولوژیکـی در این محصول‌ها پرداخت و شناخت و درک عمیقی از این الگوهای معنایی به دست آورد. به این ترتیب، می‌توان یک سریال تلویزیونی را، در سطح وسیع‌تری بررسی کرد و نشان داد سریال‌ها برای برجسته ساختن چه الگوهای معنایی و ایدئولوژیکی تولیـد شده‌انـد. با این نگاه، می‌توان سریال‌های تلویزیونی را، به‌مثابـهٔ متونی واکاوی کرد که در ورای پیام‌هایـی که انتقال می‌دهند، معنای خاصی را می‌آفرینـند. در واقع، این متون به دلیل جذابیت قادرند هنگام روایت رویدادهای اجتماعی، از طریق خلق معنا، علاوه بر سرگرمی، زمینهٔ الگوسازی رفتارهای اجتماعی را نیز تقویت کنند.

بـه عبارتی، در سریال‌های تلویزیونی، به‌مثابهٔ یک متن فرهنگی پرمخاطب و ابزار بازنمایی معانی و ارزش‌های فرهنگی معین، نشـانه‌های دیداری به صورت تلویحی و غیرملموس، برساخته می‌شوند تـا نظام‌هـای معانی و ایدئولوژی‌هـای خاصی را ترویج دهنـد. بازنمایی در این متـون، روایت‌ها و شخصیت‌پردازی‌ها، برخی از مفاهیم و درون‌مایه‌های ارتباطی را به همراه معانی اخلاقی، سرگرم‌سازی و طنز به بینندگان انتقال می‌دهد و پیرنگ داستان، تصاویر، کلام، موسیقی، روابط همنشینی و جانشینی، تقابـل و تعامل بیـن شخصیت‌های آن‌ها، در پی القای مفاهیم خـاص و در قالب گفتمان‌های خاصی است که نظم ایدئولوژیکی پنهانی را رواج می‌دهد و رویدادهای زندگی روزمرهٔ مخاطبان را بازتعریف و برساختـه می‌کند. ایـن سریال‌ها، با تداعی دال‌هایی خاص و استفاده از رمزگان اجتماعی، واقعیت و ایدئولوژی، در بازنمایی شخصیت‌هـا، فعالیت‌ها، مکان‌ها و رفتارها، دلالت‌های خاصی از ارزش‌ها و نمادهـای فرهنگی ارائه می‌دهند. با چنین نگرشی، می‌تـوان گفت متن سریال‌ها، تصویری از واقعیت را بازنمایی می‌کنند که هم متأثر از واقعیت بیرونی است و هم آن را استحکام می‌بخشـد و جهت‌دهی می‌کنـد. سریـال تلویزیونی، به عنوان نمودی از زندگی و فرهنگ یک جامعه و نیز بافتی با هنجارهای تعاملـی خاص خود و با حضور عوامل کلامی و غیر کلامـی متعدد، عرصهٔ مناسبی برای مطالعه‌های نشانه‌شناختی است که یکی از راه‌های واکاوی نشانه‌ها و رمزگان‌های موجود در محتوای پیام‌های این تولیدات تلویزیونی، بررسی دلالت‌های معنایی موجود در مضامین این پیام‌ها از ابعاد مختلف است.

بـرای تحلیل متن سریال تلویزیونی، که حاوی نظام‌های نشـانه‌ای زبان، تصویر و موسیقی است، کانون توجه، هم بر رمزگان این نظام‌ها و هم بر هدف آن‌ها است. با تحلیل مهم‌ترین هدف این نظام‌ها، یعنی شخصیت‌پردازی با بیشترین بار معنایی، می‌توان به درک مطلوبی از فضای جامعه دست یافت که البته زبان، لباس، اشیاء، تصویربرداری، اصوات و جلوه‌های ویژه نیز به هدف تقویت شخصیت‌پردازی به کار گرفته می‌شوند. اگر این واقعیت را بپذیریم که سریال‌ها به گونه‌ای جهت‌دار رمزگذاری شده‌اند، می‌توان در پی رمزگشـایی آن‌ها برآمد. در واقع، هدف از تحلیل نشانه‌شناختی متون تلویزیونی، تعیین لایه‌های پنهان از معانی رمزگذاری شده‌ای است که در ساختار آن‌ها بازنمایی می‌شوند.

در جامعهٔ ایرانی ـ اسلامی ما، ارزش‌های خاصی جایگاه کانونی دارد. از آنجا که یکی از رسالت‌های نهاد صداوسیما، صیانت و ترویج الگوها و ارزش‌های اجتماعی است، در صدد واکاوی این امر هستیم که وضعیت بازنمایی رمزگان‌های مختلف در سریال طنز نون.خ چگونه است و چه کارکردی دارد و این سریال، به‌مثابهٔ یک متن ترویج‌دهنده چه گفتمان‌هایی است. به عبارتی، در این پژوهش، بیش از آنکه به معانی صریح نشـــانه‌های این سریال نظر داشته باشیم، در پی کشـــف ساختار و معنای تلویحی آن‌ها هستیم و نشان خواهیم داد چه معانی، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری و ایدئولوژیکی بازنمایی شده‌اند و سازوکار نشانه‌ای گفتمان‌های موجود در آن چگونه بوده است و اینکه چه رمزگان‌هایی، امر بازنمایی را محقق کرده است. بر همین اساس، در پژوهش حاضر شناخت این نشانه‌ها و دلالت‌های موجود در لایه‌هـــای پنهانی سریال طنز نون.خ و چگونگی بازنمایی مفاهیم ایدئولوژیکی در آن مورد توجه قرار می‌گیرد.

در واقع، بر اساس هدف اصلی این پژوهش، یعنی شناخت الگوهای ایدئولوژیکی در سریال نون.خ ، پرسش اصلی پژوهش این است که گفتمان‌های ایدئولوژیکی اجتماعی در این سریال، چگونه بازنمایی و کدگذاری می‌شوند. برای این منظور از نشانه‌شناسی چندمرحله‌ای جان فیسک استفاده می‌شود که در آن سه دسته از رمزگان‌های واقعیت، بازنمایی و ایدئولوژیک مورد بررسی قرار می‌گیرند.

چارچوب نظری

بازنمایی[1] استفاده از زبان برای بیان چیزهای معنادار دربارهٔ جهان پیرامون و همچنین بخشی از فرایندی اســـت کـــه به واسطهٔ آن، معنا بین افراد یک فرهنگ تولید و مبادلـــه می‌شود. هال معتقد است، پدیده‌ها در ذات خود معنادار نیســـتند، بلکه معنای امور و پدیده‌ها از چگونگی بازنمایی آن‌ها حاصل می‌شود (دانسی[2]، ۲۰۰٤: ۱۷). رویکرد برساختی[3]، به عنوان یکی از رویکردهای مهم در حوزهٔ بازنمایی، مدعی است که معنا به وسیلهٔ زبان ساخته می‌شود. این رهیافت باور دارد، اشیا و رویدادها، به خودی خود و نیز کاربران زبان، به‌تنهایی نمی‌توانند معنا را در زبان تثبیت کنند؛ ما معنا را با استفاده از نظام‌های بازنمایی می‌سازیم. دسترسی ما به واقعیت، همواره از طریق شگردهای زبانی است. در حقیقت، زبان در ساختن واقعیت نقش دارد (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۲۹).

گفتمـــان را به معنی کاربرد زبان در بافت تعریف کرده‌اند (براوان و ییل[4]، ۱۹۸۹: ۱). سه بُعد اصلی مفهوم گفتمان عبارت‌اند از: کاربرد زبان، برقراری ارتباط میان باورها، و تعامل در موقعیت‌های اجتماعی

1. Representation

2. Danesi

3. Constructive approach

4. Brown & yule

(ون دایـــک، ۱۳۸۲: ۱۷). اگـــر گفتمان را به‌مثابهٔ نظام معنایی در نظر بگیریم، هر متنی اعم از گفتاری یا نوشتاری، ملموس‌ترین تجلی نظام نشانه‌ای گفتمانی است. لذا تحلیل‌گر، همیشه متن را تحلیل می‌کند و عملکردهـــای گفتمان را، به‌مثابهٔ یک شبکه و نظام تولید معنا، در شکل دادن به روابط مفهومی درون متن و چگونگی تولید باورها و نگرش‌ها را بررسی می‌کند. پس به نظر می‌رسد، گفتمان‌ها را همچون رمزگان‌ها می‌بینیم. متون، حاصل عملکرد رمزگان‌هایی هستند که سازوکارهای تولید معنا و ارزش را، جهت تولید باور جمعی، هدایت می‌کنند (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۸۰).

رویکرد برساختی، خود دارای دو زیرشاخهٔ اصلی است: رویکرد نشانه شناختی[1] و رویکرد گفتمانی[2]. این دو رویکرد، به برساخت معنا از طریق نظام زبان توجه دارند، اما رویکرد گفتمانی به دانش یا معرفت که تولید یک نوع گفتمان خاص است، ارتباط گفتمان با قدرت، تنظیم عملکرد یا رفتار توسط گفتمان و شکل دادن به هویت‌ها یا ذهنیت‌ها توسط گفتمان نیز توجه دارد (مهدی‌زاده،۱۳۸۷: ۲۴– ۲۵). بهره‌گیری از رویکرد نشـــانه‌شناسی، مطابق بـــا ویژگی‌های اجتماعی زبان اســـت. درون گفتمان‌ها، که سازنده و جریان‌بخش رسانه‌ها هســـتند، می‌توان چهار صورت‌بندی، در خصوص نسبت رسانه و دنیای واقعی ارائـــه کرد: ۱. رسانه‌ها واقعیت را بازتاب می‌دهند؛ ۲. رسانه‌ها واقعیت را بازنمایی می‌کنند؛ ۳. رسانه‌ها به طور گفتمانی عمل می‌کنند؛ و ٤. رسانه‌ها وانموده‌ها یا شبیه‌سازی‌هایی عرضه می‌کنند (همان: ۵۵).

بازنمایـــی رسانه‌ای، معنا را از طریق زبان می‌ســـازد، تعریف می‌کند و با واقعیت پیرامونی ما پیوند می‌دهـــد. در واقـــع، زبان در اینجا، به عنوان نظام بازنمایی عمل می‌کنـــد و از طریق زبان است که ما از نشانه‌ها و نمادها استفاده می‌کنیم؛ خواه تصویری و خواه متنی و خواه صوتی باشند. همهٔ این شیوه‌های متفاوت تولید معانی، همانند زبان عمل می‌کنند (هال[3]، ۲۰۰۳: ۱ ـ ۳). بازنمایی رسانه‌ای، ساختی است کـــه رسانه‌های جمعی از جنبه‌هـــای مختلف واقعیت مثل افراد، مکان‌ها، اشیـــا، اشخاص، هویت‌های فرهنگـــی و دیگـــر مفاهیم مجرد ایجاد می‌کنند (گیویان و توکلـــی، ۱۳۹۰: ۹۰). به سخن دیگر، به طور معمول، بازنمایی، معناسازی از طریق به کارگیری نشانه‌ها و مفاهیم و استفاده از یک چیز به جای چیز دیگر، با هدف انتقال معنا تعریف می‌شود (میلز، ۱۳۸۲: ۳۳۳).

رسانه‌ها به طور مســـتمر و پیشـــاپیش تجربهٔ واقعی، تصاویری از زندگی و مدل‌هایی از رفتارها را بازنمایـــی می‌کنند که هدف این نوع بازنمایی هنجارها و ارزش‌ها، ریشـــه دوانیدن گفتمان در زندگی روزمرهٔ مردم است. بنیاد رسانه، بر زبان و معناسازی در یک چارچوب گفتمان ایدئولوژیکی و ترویج/ تضعیف یک گفتمان ویژه است. بازنمایی، درون یک گفتمان معناسازی می‌شود و از طریق بازنمایی و معناسازی که مستلزم کاربرد زبان، نشانه‌ها و تصاویر است و به‌مثابهٔ ابزار مفهومی مهمی در مطالعه‌های

1. Semiotic approach

2. Discursive approach

3. Hall

رسانه‌ای است جهان واقعیت معناسازی و در بین اعضای جامعه فرهنگی تبادل می‌شود (هال، ۱۹۹۷: ٤۲). می‌تـوان گفت معنای رویدادها وابسـته به نگرش‌ها و آداب مشـترک و یا همان فرهنگ است؛ این روند معناسازی، همان ارتباط بین چیزها، مفاهیم و نشـانه‌هاست. به عبارتی، نشانه‌شناسی مطالعهٔ شیوه‌های تولید معنا در نظام‌های نشانه‌ای است که افراد برای مقاصد ارتباطی خود به کار می‌گیرند (گیل و آدامز، ۲۵۲:۱۳۸٤).

تحلیل نشانه‌شناختی با کار زبان‌شناس سوئیسی، فردیناند دوسوسور، آغاز می‌شود (آسابرگر، ۱۳۸۹: ۱٦). سوسور نشانه‌شناسی را علمی تلقی می‌کند که به بررسی حیات نشانه‌ها در جامعه می‌پردازد. از نظر او، نشـانه که سرشت اختیاری دارد، موضوعی فیزیکی و معنادار است و از ترکیب دال و مدلول شکل می‌گیرد که رابطهٔ بین این دو، رابطه‌ای قراردادی و توافقی مورد پذیرش جامعه است (اکو، ۱۳۸۹: ۷).

هـر متن، به‌مثابهٔ ساختاری معنادار حاوی دو نوع رابطه اسـت: ۱. روابط درون‌متنی، ۲. روابط بینا متنی. در روابط درون‌متنی، شخصیت‌ها منسـجم و قابل پیش‌بینی هسـتند. در روابط بینامتنی، متن به واسطـهٔ هماهنگی با سایر متون، متن می‌شود (بـارت، ۱۳۸٦: ۱۰). هر واحد زبانی می‌تواند هم دلالت آشکار و هم دلالت ضمنی داشته باشد و معنا از طریق این دلالت‌ها ساخته می‌شود. دلالت آشکار، در واقع، معنـای لغت‌نامه‌ای و آشکار است، لیکن دلالت ضمنی بر معناهای اجتماعی/ فرهنگی ارجاع و به ویژگی‌هایی چون سن، جنسـیت و نژاد مفسـر بستگی دارد. فیسـک[1] معتقد است دلالت مستقیم، همـان چیز بازنمایی‌شده و دلالت ضمنی، شیوهٔ این بازنمایی اسـت. این دو مفهوم به‌ظاهر متمایز در نظریه‌پردازی، در عمل از هم جدایی‌ناپذیر و بدون مرزبندی هستند. به‌علاوه، یادگیری دلالت آشکار و مستقیم و ضمنی از ارزش‌گذاری‌ها نیز متأثر می‌شوند (چندلر، ۱۳۸٦: ۲۱۰-۲۱۱).

هر چه دلالت‌مند است و معنی دارد، می‌توان بخشی از گفتمان به حساب آورد که مجموعه‌ای از گزاره‌ها است. هنگامی که گزاره‌هایی راجع به موضوعی در گفتمانی خاص اظهار می‌شوند، این گفتمان امکـان آن را فراهـم می‌آورد که موضوع به نحو خاصی ساخته شود (هـال، ۱۳۸٦: ٦۲-٦۳). در واقع، گفتمان‌ها مجموعه‌هایی از پاره‌گفتارها، جمله‌ها یا احکامی هستند که در بافتی اجتماعی وضع می‌شوند؛ با همان بافت اجتماعی تعیّن می‌یابند و موجبات تداوم هسـتی آن بافت اجتماعی را فراهم می‌آورند. بدین ترتیب، نهادها و بافت‌های اجتماعی نقش تعیین‌کنندهٔ مهمی در تحول، حفظ و انتشار گفتمان‌ها دارند (همان: ۱۸-۲۱).

با مشخص شدن بازنمایی امور به صورت گفتمانی، لازم است تا دال مرکزی و مدلول‌های گفتمان مشخص شود. این گفتمان‌ها هستند که تعیین می‌کنند دربارهٔ یک متن خاص چه می‌توان گفت و چه نمی‌توان گفت (استوری، ۱۳۸٦: ۲٤). به عبارتی، بازنمایی یا همان تولید و ساخت معنا، ریشه در گفتمان ایدئولوژیـک دارد که از آن منظر صورت می‌گیرد (مهـدی‌زاده،۱۳۸۷: ۱۰-۹). می‌توان گفت گفتمان رسانه‌ای، به‌مثابهٔ متنی تلقی می‌شود که از طریق ترکیب دال‌ها و مدلول‌ها، در پی معناسازی و انتقال معنا

1. Fiske, John

به مخاطبان است و نهاد رسانه به کار تولید، باز تولید و توزیع معرفت به معنای وسیع آن، یعنی نهادها یا مرجع‌هایی معنادار در جهان اجتماعی اشتغال دارد (مک کوایل،۱۳۸۲: ۸۱-۸۲).

مجـرای ارجـاع متن به بیرون، و به دانش عمومی همچون هنر، سیاست، و ادبیات و در کل قلمرو ایدئولـوژی، رمزگان‌ها و دلالت‌های فرهنگی است که حس واقعیـت را در متن و درنهایت باورهای طبیعی و موجهی را به وجود می‌آورد (کوارد و الیس، ۱۳۸۰: ۱۸۱).

نشـانه‌شناسی، که با آفرینش معنا در متون رسانه‌ای و هنری سروکار دارد، نشـان می‌دهد نشانه و دلالت آن چیسـت. رمزگان، همان معنا و پیام یک متن است. ماهیت فرایند رمزگذاری[1] یا تولید پیام، درون تجارب انسانی است و رمز گشایی[2] یا تعبیر متن، مستلزم کشف دلالت‌های دال‌هاست. سوسور معتقـد است، برای شناسایی رمزها باید از قراردادهای دال[3] و مدلول[4] و همچنین بسـترهای فرهنگی آن متن/جامعه آگاهی داشته باشیم (مارتین و رینگسـهام[5]، ۲۰۰۰: ۳٤). تحلیل نشـانه‌شناختی با معنای متون سروکار دارد، که حاصل رمزگذاری و روابط بین نشانه‌هاست (جوهانس و لارسن[6]، ۲۰۰۲: ۱۳). تفسـیر معنای قراردادی یک نشـانه و تأویل یک متن، مسـتلزم آشنایی با مجموعه‌ای از قـراردادها و مرتبط ساختـن آن با مجموعـه‌ای از رمزگان‌های فرهنگی خاص است (سبوک[7]، ۱۹۹٤: ۳٤). در واقع، نشانه‌شناسی با بسترها و ارزش‌های اجتماعی نهفته در جامعه رابطه دارد که آگاهی از آن‌ها لازمهٔ تحلیل نشانه‌شناختی است (فیسک و هارتلی، ۲۰۰۳: ۲٤).

از نظر اومبرتو اکو[8]، هدف نشانه‌شناسی بررسی انواع شیوه‌های رفتاری انسان در جریان ارتباطات، نحوهٔ معناسـازی، روند شکل‌گیری نشـانه‌ها و روابط معنادار است. در واقع، نشـانه‌شناسی شامل مطالعهٔ ساختار نشانه‌ها، دلالت‌ها، نام‌گذاری‌ها، قیاس‌ها، استعاره‌ها و در کل رمزگان ارتباطی است (احمدی، ۱۳۸۲: ۲۰).

بارت[9]، متن را حاصل تعامل رمزگان‌ها می‌داند و انواع رمزگان‌های دخیل در سازوکارهای معنایی را ارائه می‌دهد که متن را تا غایت اجتناب‌ناپذیر پیش می‌برند، اطلاعات اساسی را فراهم می‌کنند و معانی

1. Coding
2. Decoding
3. Denote
4. Connote
5. Martin & Ringham
6. Johansen & Warsen
7. Sebeok
8. Eco, Umberto
9 . Barthes, Roland

ضمنی لازم برای تکمیل قابلیت فهم متن را به دست می‌دهند (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۵۷).

چندلر[1] رمزگان‌ها را به سه دستهٔ اجتماعی، متنی و تفسیری تقسیم می‌کند. برای مثال، او نشانه‌های کلامی، شامل آواها، واژگان و نحو، نشـــانه‌های بدنی شامل وضع ظاهری، حالت‌های چهره و اعضای بدن و ژست‌ها، نشانه‌های رفتاری شامل آیین‌ها و آداب را از جمله رمزگان اجتماعی، رمزگان رسانه‌ای را در زمرهٔ رمزگان متنی، و رمزگان ادراکی و ایدئولوژیکی را از جمله رمزگان تفسیری تلقی می‌کند. او، این سه نوع رمزگان را، متناظر با سه نوع دانش مورد نیاز مفسران متن در نظر می‌گیرد که عبارت از دانش اجتماعـــی دربـــارهٔ جهان، دانش متنی دربارهٔ رسانه و ژانر، و دانش رابطه بین این دو نوع دانش است. او معتقد است که همهٔ رمزگان‌ها را می‌توان رمزگان‌های ایدئولوژیکی دانست (چندلر، ۲۰۰۲: ۱۴۹ـ۱۵۰).

به همین ترتیب، نشانه‌های تلویزیونی نیز، همواره درون یک نظام بازنمایی عمل می‌کنند که در پی القای معانی و دلالت‌های جهت‌داری در ارتباط با گفتمان‌های فرهنگی خاصی هستند. اساس نظریه‌های بازنمایی این است که دوربین تلویزیون، واقعیت‌های را رمزگذاری می‌کند و این رمزگذاری به واقعیت‌ها جهت ایدئولوژیک می‌دهد. پس آنچه بازنمایی می‌شود واقعیت نیست، بلکه نوعی از ایدئولوژی است و تأثیرگذاری این ایدئولوژی با ذات تصویرسازی تلویزیون تقویت می‌شود (فیسک، ۱۳۷۶: ۳).

در رویکرد نشـــانه‌شناسی، تولیدات تلویزیونی تابع فرایندی پیچیده هســـتند که عوامل نشـــانه‌ای بسیاری در آن دخیل‌اند (شعیری، ۱۳۸۸: ۳۳). نشانه‌ها می‌توانند عبارت‌های خاص، نمادهای تصویری، حرکت‌های بدن، و حتی یک لباس خاص باشند (بارت، ۱۳۹۴: ۱).

یکـــی از تولیدات تلویزیونی ایرانی، سریال طنز نـــون.خ است که در سه فصل از شبکه یک سیما روی آنتـــن رفته است. این سریال، با محوریت خانواده، در لوکیشـــن خطهٔ کردزبـــان ایران، درونمایهٔ قصه خود را، به زبان طنز، روایت می‌کند. آنچه که به تحلیل نشانه‌شناختی این سریال، به‌ویژه از منظر بازنمایی رویدادها اعتبار می‌بخشد، مطالعهٔ متن این سریال طنز، با توجه به ضرورت تقویت الگوهای ایدئولوژیکی هنجارمدار از رهگذر نشـــانه‌سازی دیداری است. به همین دلیل، مطالعهٔ نحوهٔ بازنمایی تصویری الگوهای اجتماعی در این سریال، می‌تواند از طریق رمزگشـــایی از پیام‌های گفتمانی، معانی ضمنی و ایدئولوژیکی ورای این پیام‌ها را نشان دهد.

پیشینهٔ پژوهش

پژوهشـــگران مختلفی، به مفهوم بازنمایی در متون رسانه‌ای پرداخته‌اند. برخی از مهم‌ترین تحقیق‌های مرتبط با این پژوهش به این شرح هستند:

سپهری (۱۳۹۸) بـــا هدف مطالعهٔ آسیب‌های اجتماعی بازنمایی‌شده در سریال‌های شبکهٔ سبلان، طـــی روندی ده‌ساله (۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵) مشـــخص می‌کند، مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی بازنمایی‌شده، اختلاف‌های خانوادگی و مشکل‌های زنان، و آسیب‌پذیری بیشتر مردان نسبت به زنان است. همچنین

1. Chandler, Daniel

مردان را به عنوان عاملان آسیب‌ها، و عدم کارایی خانواده را مهم‌ترین عامل ایجاد آسیب‌ها، نشان می‌دهد. شامخ‌نیا و همکاران (۱۳۹۸) به بازنمایی کلیشه‌های منتسب به اقوام، در سریال‌های تلویزیونی پرداخته و نشـــان داده‌اند که تفاوت چندانی در شخصیت‌پردازی این افراد به چشـــم نمی‌خورد. از ابعاد ظاهری گرفته تا اخلاقی، وجوه شخصیت‌پردازی‌ها، بسیار بالاست. ویژگی‌هایی نظیر ساده‌دل، فرودست، غیر متجـــدد از یک سو و کارکرد کمیک در مجموعه‌های مـــورد بررسی از اصلی‌ترین درون‌مایه‌های متنی هستند. چهار تیپ شخصیتی از هویت‌های قومی، شامل تیپ مهاجر، تیپ مستحیل، تیپ مجاور و تیپ متعادل تعریف شده‌اند.

بروجـــردی علوی و همکـــاران (۱۳۹۸) با هدف بررسی چگونگـــی بازنمایی شاخص‌های عفاف در زنان چادری سریال‌هـــای تلویزیونی، شخصیت‌های چادری ٤٠ سریال در سال‌های پس از انقلاب اسلامی را تحلیل کرده و نشـــان دادند زنان چادری نمایش داده‌شده در سریال‌های تلویزیونی، به‌رغم انتخاب حجاب برتر، به عنوان پوشش بیرونی، که خود معرّف سطحی از تعهد و تقید به مبانی دینی و اصول شرعی است، نحوهٔ ارتباط، نگاه و گفت‌وگوی آنان با نامحرم و نیز زینت، مو و اندام آشکار آن‌ها در برابر نامحرم، تفاوت معناداری با دارندگان سایر پوشش‌ها ندارد.

پژوهـــش اتابک و عزیزی (۱۳۹۷)، با مطالعهٔ مجموعـــهٔ تلویزیونی پایتخت ۵ و در پی واکاوی ارزش‌هـــا و الگوهای رفتاری بازنمایی‌شده و برای رمزگشـــایی مضامین فرهنگـــی آن با استفاده از رویکرد کیفی نشـــانه‌شناسانه نشـــان داده‌انـــد، این سریال ارزش‌های فرهنگـــی خاصی را، در قالب ایدئولوژی سرمایه‌داری مردسالار و با بهره‌گیری از مجموعهٔ نمادها، اعمال، موقعیت‌ها، گفت‌وگوها و الگوهـــای رفتـــاری بازنمایی کرده است. ایـــن ایدئولوژی، با بازنمایی تیپ‌هـــای اجتماعی متعدد و برساخـــت دوگانه‌هایی از قبیل زن/ مـــرد، کارگر/ کارفرما، قانون‌مـــداری/ قانون‌گریزی، درایت/ بی‌کفایتی، مرد سرکش/ زن رام، سعی کرده خود را موجه و منزه از هر خطایی نشان دهد و روابط و مناسباتش را طبیعی سازد. بشیر و همکاران (۱۳۹۷) با تحقیق در حوزهٔ بازنمایی گفتمان زن موفق، گفتمـــان حاکم بر سریـــال پربینندهٔ پایتخت ٤ را استخراج می‌کنند و نشـــان می‌دهند، اگرچه سریال سعـــی دارد رویکـــرد مثبتی را به حضور اجتماعی زنان بازنمایی کنـــد، آن را فقط با پذیرش گفتمان مردسالارانه و نقش سنتی زن در خانواده و همچنین تحمل فشـــار نقش و فداکاری بیشتر زن عملی می‌دانـــد. هرمزی‌زاده و همکاران (۱۳۹۷)، با هـــدف مطالعهٔ بازنمایی روابط خانوادگی در مجموعهٔ تلویزیونی پایتخت و با بهره‌گیری از روش نشـــانه‌شناسی، نشـــان می‌دهنـــد مجموعه رمزگان‌های استفاده‌شـــده در این سریـــال، ایدئولوژی خانوادهٔ صمیمی را بازنمایی و بـــه برساخته‌های این نظام خصلتی طبیعی می‌بخشند.

کســـرایی و مهرورزی (۱۳۹٦)، با هدف واکاوی نحـــوهٔ بازنمایی، نقش اجتماعی زنان در سینما و شناخت ایدئولوژی‌های پنهان در پشـــت این بازنمایی‌ها، با استفاده از دو روش تحلیل روایت بارت و نشانه‌شناسی فیسک، در دو فیلم فروشنده و یه حبه قند، نشان داده‌اند بازنمایی‌های ارائه‌شده از زنان، در

هر دو فیلم، در راستای تثبیت کلیشه‌های جنسیتی جامعهٔ ایران قدم برداشته‌اند و مردان، متفکر و زنان، منفعل به نمایش درآمده‌اند.

محمـــدی (۱۳۹۵) با بررسی گفتمان‌های موجود در سریال ستایش و با استفاده از نظریه‌های لاکلاو و موفه، نشان می‌دهد، این مجموعه بیانگر تقابل گفتمانی، بین دو گفتمان دینی و دنیاگرایی است و شیوهٔ تربیت نسل جدید، به عنوان دال شناور، کانون این تقابل گفتمانی است. مکتبی اصل و جعفری (۱۳۹۵) با بررسی سریال‌های پایتخت صحرا، پدر سالار، مرگ تدریجی یک رویا و مادرانه و بهره‌گیری از نظریهٔ بازنمایی برساخت‌گرا و دو روش نشـــانه‌شناسی و تحلیل روایت، نشان می‌دهند در سریال پایتخت صحرا، بازنمایی سبک زندگی خانوادهٔ ایرانی، حول محور تقابل دوگانهٔ سبک زندگی طبقهٔ بالا و سبک زندگی طبقهٔ پایین، در سریال پدر سالار در قالب تقابل دوگانهٔ سبک زندگی سنتی نسل قدیم و زندگی نوگرای نسل جدید و در سریال مرگ تدریجی یک رویا در قالب تقابل دوگانهٔ سبک زندگی سنتی مذهبی و سبک زندگی مدرن ضد مذهب بازنمایی شده است. اما در سریال مادرانه، نسخهٔ جدیدی از تضاد سه‌گانهٔ سبک زندگی مذهبی سنتی، سبک زندگی سنتی غیر مذهبی و سبک زندگی مدرن غیر مذهبی بازنمایی شده است.

بـــا بررسی به عمل‌آمده از پیشـــینهٔ تحقیـــق، در زمینهٔ تولیدات رسانه‌ای، به نظـــر می‌رسد در زمینهٔ تحلیل نشـــانه‌شناختی رمزگان گفتمانی در سریال‌های طنز، بـــا تکیه بر قابلیت‌های قومی و مؤلفه‌های بومی، تحقیق چندانی صورت نگرفته است. از همین رو، می‌توان پژوهش حاضر را در این زمینه جزء تحقیق‌های پیشگام و نوآورانه تلقی کرد.

روش پژوهش

از طریـــق رویکرد نشـــانه‌شناسی، که هدف آن بررسی دلالت نظام‌های رمزگانی است، کشـــف معانی تولیدات رسانه‌ای و درک فرهنگ و ایدئولوژی جامعه و بررسی فرایند تولید معنا در این متون میســـر شده است. از نظر جان فیســـک، در متن تلویزیونی، واقعیت، پیشـــاپیش رمزگذاری شده است و فقط به وسیلهٔ رمزگان فرهنگ است که می‌توانیم واقعیت را درک کنیم. در رویکرد نشـــانه‌شناسی فیســـک، تحلیـــل متن، در سه مرحله صورت می گیرد که هر سطح دارای نوع رمزگان خاص است: ۱. توصیف کلی متن رسانه‌ای؛ ۲. انتخاب سکانس‌های دارای بیشترین بار ایدئولوژیک؛ و ۳. تحلیل نشانه‌شناختی سکانس‌های منتخب، برای کشف و تبیین ایدئولوژی ضمنی در آن‌ها. فیسک، رمزگان متن رسانه‌ای را به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱. سطح اول یا همان سطح واقعیت[1]، که در این سطح بیشتر رمزها از جمله ظاهر چیزها، لباس، رفتار، گفتار و ... قرار می‌گیرند. می‌توان گفت ادراک ما از افراد و امور مختلف، بر اساس ظاهرشان و مبتنی بر رمزهای متداول در فرهنگ ما شکل می‌گیرد.

۲. سطـــح بازنمایی، کـــه در آن رمزگان دوربین، نورپردازی، موسیقی و صدابـــرداری، تدوین، روایت،

1. Reality

درگیـــری بین شخصیت‌ها، گفت‌وگوها، زمان و مکان و انتخاب بازیگران معناسازی می‌شوند. در این سطح، رمزهای اجتماعی قرار دارند که بازنمایی عناصر دیگرند و روایت، کشمکش، شخصیت، و گفت‌وگوها را شکل می‌دهند.

۳. سطـح ایدئولـوژی، که رمزگـان متنی و اجتماعی را در مقولهٔ انسـجام و مقبولیـت اجتماعی قرار می‌دهـد. مجموعـهٔ رمزگانی که برای انتقال معنا بـه مخاطب استفاده می‌شود، بـه طور کامل در رمزگان ایدئولوژیک جای گرفته‌اند که خود، حکم نشـانه را دارند؛ همچون فردگرایی، دنیاگرایی، سرمایـه‌داری، معنویت‌گرایـی، جایگـاه اجتماعی، نژاد/ پـدر/ زن/ مردسـالاری تحلیل می‌شود (استریناتی، ۱۳۹۲: ۱۲۷).

از نظر فیسـک، این سه سطح رمزگان به شیوه‌ای منسـجم با یکدیگر ادغام می‌شوند و به وحدت می‌رسند و معنا را تولید و تقویت می‌کنند. در واقع، بخشی از ساختار رمزها به سطح متن، بخش دیگر به معنای اجتماعی و بخشی نیز به جنبهٔ ایدئولوژیکی آن مرتبط هستند. تولید معنا در مسیر حرکت در ساختار سلسـله مراتبی این سطوح سه‌گانه است و بررسی نشـانه‌شناختی این رمزگان، این وحدت را بازسازی می‌کند که ناشی از تأثیر شگرف رمزهای ایدئولوژیک بر آن است (فیسک، ۱۳۹۰: ۱۲۸ـ۱۳۰).

با توجه به موضوع تحقیق، این نوشتار در پی کشف دلالت‌های گفتمانی بازنمایی‌شده از رویدادهای اجتماعـی، و تبیین شاخص‌هـای رمزگان گفتمانی در متن سریال تلویزیونی نـون. خ است. لذا باید روشـی به کار گرفتـه شود که وجوه این دلالت‌های رمزگانی را آشکار سـازد. به همین دلیل، استفاده از نشـانه‌شناسی برای نمایاندن این گفتمان روش مطلوبی است. به سخن دیگر، چارچوب نظری این تحقیق، بر اساس الگوی نشـانه‌شناسی فیسک بنا شده است که به دلیل برخورداری از سطوح عمیق و همچنین هماهنگ بودن آن با تحلیل متون تلویزیونی، انتخاب مناسبی به نظر می‌رسد. برای دستیابی به این هدف، رمزگان‌های مورد نظر فیسک در سریال طنز نون. خ در سه سطح رمزگان واقعیت، رمزگان بازنمایی، و رمزگان ایدئولوژیک ساختاربندی و تحلیل می‌شود.

یافته‌های پژوهش کیفی حاضر، که از نظر هدف کاربردی و از نظر نوع روش توصیفی ـ تحلیلی اسـت، از عملیـات آماری حاصل نمی‌شود. در ایـن پژوهش، علاوه بر توصیف اشیـا، رویدادها، و رفتارهای شخصیت‌های داستان، به معانی که بازیگران سریال به این مقوله‌ها می‌دهند و نحوهٔ بازنمایی آن‌ها، مبتنی بر آموزه‌هایی در حوزهٔ روابط اجتماعی، چارچوب‌های اخلاقی، هنجاری و تفسـیرهایی در مورد این مقوله‌ها، با بیانی معتبر توجه شده است به طور مثال در کاربرد برخی توصیف‌کننده‌ها در دیالوگ‌ها و کلام بازیگران؛همچنین توجه شده که خوانندهٔ تحقیق بتواند زبان، لهجه و معانی خاص بازنمایی‌شده و در نهایت، ایدئولوژی پنهان را در متن سریال را حس و درک کند.

در واقع، در ساختار این تحقیق کیفی، واکاوی واقعیت‌های معنی‌دار درون بستر اجتماعی، منوط به اعمال انسان است و قابلیت اطمینان یافته‌های حاصل از آن، مسیری را فراهم می‌کند تا خواننده را برای جست‌وجوی تفسیر معانی بازنمایی‌شده، راهنمایی کنند. لذا در راستای هدف این تحقیق، که دستیابی به

درک عمیق‌تر از رویدادهای گفتمانی در سریال نون. خ است، محتمل‌ترین روش تنها از طریق برقراری بحث‌ها و استدلال‌ها حاصل می‌شود. به عبارتی، روایی و پایایی پژوهش، با توجه به رمزگشایی مفاهیم کانونـــی متن ســریـــال نون. خ بوده که در تعریف آن‌ها از منابع معتبـــر استفاده شده است. مبنای تحلیل نشانه‌شناختی، کلیهٔ سکانس‌های سریال نون. خ هستند که از این بین، تعداد نُه سکانس بیشترین گفتمان ایدئولوژی‌محـــور و ارزش‌های اجتماعی به صـــورت هدفمند دارند و محور انتخاب و تحلیل آن‌ها، با بهره‌گیری از الگوی فیسک است.

یافته‌های پژوهش

نـــام اختصاری سریال نون. خ برگرفته از نام نورالدین خانـــزاده، پدر خانواده و اهل یکی از روستاهای دیار کردستان است که یکی از شخصیت‌های کلیدی مجموعه نون. خ است. نورالدین خانزاده، معروف به نوری، پدر خانواده‌ای است که طی یک سوء تفاهم، متهم به اختلاس می‌شود و مشکلاتی از جمله مشکل‌های مالی برای او پیش می‌آید. در محتوای این فیلم، انسان‌هایی با لباس و نام‌های کردی (روژان، کژال و ...) ملاحظه می‌شود که کشاورزان و یا بازرگانان در حوزهٔ تخمه آفتابگردان هستند. این تخمه‌ها به تهران و سپس به ترکیه صـــادر می‌شـــود. دلالت مرکزی این داستان، یک قهرمان پنهان تهرانی (میرزایی) است که در ابتدای داستان می‌میرد و مرگ او، اختلال در کارکرد نظام اجتماعی (ازدواج، همسایگی، رفاقت، تجارت و ...) کردستانی‌ها ایجاد می‌کند. مردم که پس‌انداز خود را صرف خرید آپارتمان در تهران کرده‌اند، سرمایه‌های آن‌ها به بن‌بست رسیـــده اســـت (مثلاً آپارتمانی که نوری از میرزایـــی خریداری کرده بدون مدرک اســـت). حال بر آنیم، با بهره‌گیری از رویکرد نشانه‌شناسی فیسک، به تحلیل تعدادی از سکانس‌های سریال بپردازیم.

۱. در ایـــن سکانـــس، کارگاه تخمه‌پزی را می‌بینیم که کارگـــران زن و مرد با پوشش کردی، به طور یکســـان مشـــغول به کار در کنار یکدیگرند. زاویهٔ دوربین، به طور واضح دستان قوی کارگران ایـــن کارگاه، چـــه زن و چه مرد را نشـــان می‌دهد کـــه بازنمایی تیپ شخصیتـــی زحمتکش و مسئولیت‌پذیر است که به انجام کار شرافتمندانه خود مشغول هستند.

کــار در کارگاه، به صورت سنتی بازنمایی می‌شــود. دلالت گفتمان اصلی این سکانس، برمردم کرد است که از گذشته، به برابری زن و مرد و اتحاد و کار مشترک، فارغ از جنسیت، باور دارد و زنــان کرد، همپای مردان خود، در امور زندگی همراه هســتند و لباس‌های ساده آن‌ها دلالت طبقه زحمتکش جامعه است.

جدول ۱. دلالت رمزگان سکانس کارگاه تخمه‌پزی

سطح تحلیل رمزگان	دلالت رمزگان
واقعیت	کارگران زن و مرد با پوشش کردی یکسان مشغول به کار در کنار یکدیگر
بازنمایی	تمرکز واضح زاویه دوربین، بر حجم بالای کیسه‌های تخمه و نیز دستان قوی کارگران، چه زن و چه مرد
ایدئولوژی	باور مردم کرد به پایبندی به رسوم (پوشش کردی) و برابری زن و مرد و اتحاد و فعالیت اجتماعی شرافتمندانه فارغ از جنسیت، دلالت پوشش ساده بر قشر کارگر و زحمتکش جامعه، ارزشمندی تولید داخلی و تأکید بر میهن‌پرستی و سربلندی ایرانیان

۲. در این سکانس، جلسهٔ خواستگاری "روژان" دختر نوری را مشاهده می‌کنیم. ظاهر ساده و بی‌آلایش و پوشش کردی دو خانواده و نیز پدر داماد و پوشش غیر کردی داماد و مادرش و وسایل معمولی اتاق پذیرایی آقای نوری را شاهد هســتیم. روژان هم لبــاس سفید بر تن دارد. بازیگران در نقش خانــوادهٔ نوری از خطه کردستان انتخــاب شده‌اند. مه‌لقا خانم، مادربزرگ روژان و شیرین و سبد گل در کانــون زاویهٔ دوربین قــرار دارند. آقای نوری، با وجود دل‌نگرانی‌های کاری، تمرکز خود را بر جلسهٔ خواستگاری دخترش می‌گذارد. شیرین، خواهر روژان، سعی می‌کند افکار حاضرین را به سمت زمین خوردن پدرش بکشــاند و ناراحتی پدر را با دردی جســمی توجیه کند، همین نشانهٔ دلسوزی دخترانه برای پدر و حمایت خواهرانه برای خوب پیش رفتن جلسه خواستگاری است. مهیار، کاراکتر خواستگار، ناگهان به میان حرف دیگران می‌پرد و می‌خواهد به جای صحبت

کردن در مورد مسائل منفی، در مورد رویش و زایش و امید صحبت کنند. سپس مه‌لقا خانم سینی را در دســت می‌گیرد و با نواختن آن موجبات شادی جمع را فراهم می‌کند. با هلهلهٔ همه، روژان سینی شربت به دست وارد می‌شود. سپس کژال، خواهر کوچک‌تر عروس، در جهت حمایت از خواهرش، ادعا می‌کند هیچ‌گاه نگذاشته کســی به خواهــرش نگاه چپ بیاندازد. به دلیل نداشتن برادر، او می‌خواهد با لحنی پسرانه و غیرتی، اعضای خانواده جای خالی برادر را به عنوان تکیه‌گاه خواهر، بعد از پدر، احساس نکنند. سپس مه‌لقا خانم، روایت عشق خود و همسرش، غلام دلاک را بیــان می‌کند و مهر تأییدی بر اهمیت عشــق می‌زند. لیکن پــدر داماد، بحث را به طلب خود از آقای نوری می‌کشاند و در هر شرایطی، پول و درآمد خود را در اولویت قرار می‌دهد، که موجب دلخــوری روژان و قهر عروس از جمع می‌شــود. مه‌لقا خانم با گفتن جملهٔ "هر کدامتان دو کیلو سبیل روی لبتانه" به این بحث‌های مادی خاتمه می‌دهد.

جدول ۲. دلالت رمزگان سکانس خواستگاری روژان

سطح تحلیل رمزگان	دلالت رمزگان
واقعیت	پوشش کردی و غیر کردی خانواده‌ها، ظاهر ساده و بی آلایش و وسایل معمولی اتاق پذیرایی، لباس سفید عروس (روژان)
بازنمایی	کانون زاویه دوربین بر مه‌لقا خانم، مادربزرگ روژان و شیرین و سبد گل، حمایت پدرانهٔ نوری از دخترش با وجود دغدغهٔ کاری و نیز حمایت دختر از پدر، انتخاب بازیگران در نقش خانواده نوری از خطهٔ کردستان، حمایت خواهرانه، بی‌تجربگی خواستگار جوان در تلاش برای بهتر دیده شدن در جمع، نواختن موسیقی از سوی مادربزرگ، عاملی برای شاد کردن جمع حاضر در خواستگاری نوه‌اش، دلالت لباس سفید عروس بر پاکی و معصومیت وی و دلالت نماد شربت بر شیرین‌کام شدن، برتری عشق بر مادیات، دلالت نشانه "سبیل" بر مردانگی و شخصیت و رفتار متواضع
ایدئولوژی	طبقهٔ اجتماعی متوسط و تقابل مادی‌گرایی /اخلاق‌گرایی خانواده‌ها، خانواده‌دوستی، سنت‌گرایی مراسم

۳. در سکانســی دیگــر، شاهد مراسم عروسی هســتیم که مــردان با لباس‌های کــردی هم‌شکل و

دست‌دردســت هم و حلقه‌وار به رقص کردی مشــغول هســتند. زاویهٔ دوربیــن، بر دستان در هــم گرفته‌شــده و نگاه دقیق افــراد، بر اجرای صحیــح رقص سنتی است. صــدا و تصاویر و حرکــات، همگــی بازنمایی واقعیت شادی و جشــن در بین کردهاست. دادن پــول، به عنوان شادبــاش، رسمی اســت که بین کردها وجــود دارد. دستمــال در رقص کردی، نشــان‌دهندهٔ میــل بــه آزادی و رهایــی از غم‌هاســت. در سطــح تحلیــل باورهــای فرهنگــی، می‌تــوان بازنمایــی همدلــی و اتحــاد و نیــز وفــاداری به سنــت و آیین‌هــای قدیمی را، بیــن جامعه کردزبان دریافت.

جدول ۳. دلالت رمزگان سکانس مراسم عروسی

سطح تحلیل رمزگان	دلالت رمزگان
واقعیت	لباس‌های کردی هم‌شکل مردان، دست‌دردست هم و رقص حلقه‌وار کردی
بازنمایی	کانون زاویهٔ دوربین، بر دستان در هم گرفته‌شده و نگاه دقیق افراد، بر اجرای رقص سنتی، تمرکز صدا و تصاویر بر بازنمایی شادی و جشن در بین کردها. بازنمایی رسم شادباش دادن در بین کردها، بازنمایی دستمال در رقص کردی و دلالت آن بر میل به آزادی و رهایی از غم‌ها
ایدئولوژی	همدلی و اتحاد، وفاداری به سنت‌ها و آیین‌های قدیمی

٤. در این سکانس می‌بینیم، نوری عازم تهران است تا طلب‌های اطرافیانش را وصول کند. از دیدگاه رمزگان واقعیت، آقای نوری با همان لباس‌های ساده‌ای که در محل زندگی خود با آن رفت‌وآمد می‌کند، سوار بر وسیله نقلیهٔ عمومی راهی تهران شده و یک ساک ساده، حاوی مدارک و وسایل ضــروری‌اش را با خود حمل می‌کند. زاویهٔ دوربین، بــر نمای نزدیک از نوری و فرد کناری او

متمرکز است. داخل اتوبوس آقای نوری با دخترش، مرجان، که در تهران ساکن است، صحبت می‌کند و با توجه به اینکه می‌داند دخترش وضعیت زندگی بسیار مساعدی ندارد، به او می‌گوید « نمی‌خواهـــد به او زحمت بدهد» و با وجود گرفتاری‌هـــا، آرامش دخترش را در اولویت قرار می‌دهد. مسافری در حال تخمه خوردن، کنار آقای نوری است. این مرد، مکرر سؤال‌هایی را از نوری می‌پرســـد از جمله اینکه « مرجان دخترته؟»، « کارت تخمه‌اس؟»، « سیـــروس دامادته ؟» و ... آقای نوری بطری آبی را از داخل ساک خود در می‌آورد تا آن را بنوشد که همین مرد دوباره می‌پرسد: « آبه ؟» و آقای نوری پاسخ می‌دهد: « بله، آبه، میل دارید؟» و این شخص بطری آب را می‌گیرد و می‌نوشـــد که بازنمایی ضرب‌المثل "تعـــارف آمد و نیامد دارد" را دلالت می‌کند. آهنگ ملایم کردی نیز در فضای اتوبوس پخش می‌شود.

جدول ۴. دلالت رمزگان سکانس سفر نوری به تهران

سطح تحلیل رمزگان	دلالت رمزگان
واقعیت	لباس‌های ساده افراد سوار بر وسیلهٔ نقلیه عمومی، ساک ساده، تخمه خوردن افراد در اتوبوس
بازنمایی	گفتار و رفتار پدرانه دلسوزانه با دخترش، کنجکاوی افراد در محیط‌های کوچک به عنوان رفتار متداول در فرهنگ خاص، دلالت ضمنی فرهنگی ضرب‌المثل‌ها، علاقهٔ نژاد کرد به شنیدن آهنگ‌های محلی
ایدئولوژی	ساده‌زیستی و شخصیت ساده و فرهنگ طبقهٔ روستایی و طبقهٔ اجتماعی متوسط، حمایت از محصولات داخلی(خرید و مصرف تخمه)

۵. در سکانس دیگر می‌بینیم که اهالی روستا، در محیط کوچک و بسیار سادهٔ چایخانه دور یکدیگر جمـــع شده‌اند. دور محیط چایخانه با میز سرتاسری پوشیده شده و افراد چســـبیده به یکدیگر، پشـــت این میزها نشســـته‌اند. روی دیوارهای مزین به پارچهٔ ساده، دو تصویر از شهر کرمانشاه

و گل‌هـــای آفتابگردان وجـــود دارد. روشنایی چایخانه، با یک لامپ مهتابـــی ساده تأمین شده و وسایـــل تزیینی موجود، همگـــی وسایلی قدیمی و ساده هســـتند. روی میزها، تخمه و چای بـــرای پذیرایـــی گذاشته شده است. این افراد، محیط اطراف خود را با آنچه که به آن تعلق دارند آراسته‌اند، که تصویر کرمانشـــاه، نشـــان‌دهندهٔ حمایـــت و تعلق خاطر این افـــراد به شهر خود و تصاویـــر گل‌های آفتابگردان نشـــان‌دهنده اصلی‌ترین محصول این دیـــار است. کانون زاویه دوربین، روی "خلیل"، پســـرعموی نوری است که پشـــت به بقیه نشسته، که نماد عدم همدلی با آنان است. اهالی روستا، برای آقای نوری، که دنبال طلب‌شان است، دعا می‌کنند که اعتماد و امید به این فرد را دلالت می‌کند.

اهالـــی بـــا توجه به وضعیت اقتصادی به وجود آمده پس از حادثـــهٔ زلزله، تصمیم گرفته‌اند دور هـــم جمع شوند تا یک صندوق وام تشـــکیل دهند. شخصی که مســـئول وام اســـت، اولین وام را به فـــردی کـــه از نظرش نیازمندتـــر است، می‌دهد. اما آن شخص پس از تشـــکر کـــردن، وام را به نفر بعـــدی می‌دهد کـــه از نظر او واجب‌تر است. خلیـــل، که از همدلی جماعت شاکـــی شده، به آن‌ها می‌گویـــد: شمـــا نشســـته‌اید اینجا و یک قـــران دو زار می‌کنید و پســـر عموی من رفتـــه ترکیه صفا سیتـــی. ایـــن حرف‌های از روی حســـادت او، افکار آن‌ها را نســـبت به نوری منحـــرف می‌کند که شخصیـــت کینه‌ای خلیـــل را بازنمایی می‌کند. اما نـــوری، سخنانش را با دعا برای رونق کســـب و کـــار و عزت و اعتبار پســـرعمویش خلیل شروع می‌کند، که دلالت بـــر قلب پاک اوست و با وجود گرفتاری‌های خود در صدد بدخواهی برای کســـی نیســـت. سپس از خلیـــل می‌خواهد که حرمت فامیلـــی را نگـــه دارد که انکار خلیل را در پی دارد. خلیل به نوری می‌گوید: «اگر بارهای این افراد را خریداری می‌کنم صرفاً برای این است که دست از سر تو بردارند» که منفعت طلبی و دورویی او را بازنمایی می‌کند.

جدول ۵. دلالت رمزگان سکانس چایخانه

سطح تحلیل رمزگان	دلالت رمزگان
واقعیت	محیط کوچک و بسیار ساده چایخانه، تزیین دیوارهای چایخانه با پارچهٔ ساده و دو تصویر از شهر کرمانشاه و تصاویر گل‌های آفتابگردان روی آن‌ها، روشنایی چایخانه با یک لامپ مهتابی ساده، وجود وسایل تزیینی قدیمی و ساده، پذیرایی از اهالی با تخمه و چای
بازنمایی	حمایت و تعلق خاطر افراد به شهر خود و گل‌های آفتابگردان، اصلی‌ترین محصول دیار کردستان
ایدئولوژی	طبیعت‌گرایی، همدلی، همنوع دوستی و از خود گذشتگی و احترام به همنوع در طبقهٔ اجتماعی متوسط در شرایط سخت و سادگی افراد و ساده‌زیستی آن‌ها

۶. در این سکانس، شیرین در جشـــن انار، داخل یک غرفه مشـــغول تبلیغ برای نقاشی‌هایش است. لباس شیرین، لباس کردی است که بیانگر واقعیت زندگی و پوشش کردهاست. جشن انار در پاوه و اورامانات منطقهٔ کرمانشـــاه، که دارای باغ‌های بســـیار بزرگ انار هستند، برگزار می‌شود. موسیقی کردی در حال پخش است. صحبت کردن شیرین، به لهجهٔ کرمانشـــاهی است. در این سکانـــس سعی شده از بازیگرانی با اصالت کرد استفاده شود. در نقاشی‌های رنگارنگ شیرین، طرحی از انار بازنمایی شده که نشـــانگر بیان احســـاسات هنرمندانـــه‌اش است و حمایت او از محصولات همشهریانش را دلالت می‌کند.

شیرین برای تبلیغ تابلوهایش، به بازدیدکنندگان می‌گوید: «تابلوهایی سرشار از احساسات انســـانی» و «احساساتی که از درون یک هنرمند برخاسته». سپس سلمان، خواستگار شیرین به غرفـــهٔ شیرین می‌آید و بـــا گفتن جملهٔ: «به‌به، واقعاً هنرمندی، با وجـــود اینکه من اصلاً هیچی نمی‌فهمـــم، ولی دارم از کاراتـــون لذت می‌برم، دست مریزاد» سعی دارد دل شیرین را به دست آورد. شیرین در پاسخ می‌گوید: «چه فایده آقا سلمان. هیچکس حتی یک نگاه بهشـــان نمیکنه» و سلمـــان پاسخ می‌دهد: «روزگار بدی شده، انســـان‌های بی‌هنر دارنـــد خودنمایی می‌کنند اما هنرمندان بزرگی مثل شما باید تو پســـتوهای خانه بخزند». سپس یکی از بازدیدکنندگان قیمت یکـــی از تابلوهـــا را می‌پرسد و شیرین پاسخ می‌دهد: «احســـنت، شما بهتریـــن تابلوی من رو انتخاب کردید». خریدار، پس از شنیدن قیمت از خرید امتناع می‌کند که سلمان می‌گوید: «اگر نخـــری فـــردا باید با پای پیاده سر باغ بری، موتور بی موتـــور». هنگامی‌که آن مرد پس از گفتار تهدیدآمیز سلمان، مبلغ را می‌پردازد، سلمان همهٔ پول را می‌گیرد و به شیرین می‌دهد و در مقابل اعتراض مرد خریدار می‌گوید: «عزیز دلم هنر قیمت داره. بقالی نیســـت که وایســـادی بقیه‌ش رو بگیری».

جدول ۶. تحلیل رمزگان سکانس جشن انار

سطح تحلیل رمزگان	دلالت رمزگان
واقعیت	پوشش کردی شیرین و سایرین، نقاشی‌های رنگارنگ و حاوی طرحی از انار
بازنمایی	پخش موسیقی کردی در فضا و حفظ اصالت آن توسط کردها، لهجهٔ کرمانشاهی شیرین بازنمود شخصیتی کرد و اصیل، انتخاب بازیگران با اصالت کرد و بازنمود اصالت واقعی نقش‌های ایفاشده، کاربرد نقش ترغیبی زبان در تبلیغات کالاها، ابراز احساسات یک هنرمند از طریق آثار هنری، عدم پذیرش و خرید آثار هنری از سوی جامعه
ایدئولوژی	ارزش بالای هنر، عدم ارزشگذاری جامعه به هنرمند و آثار هنری

۷. اهالی در کنار تعداد اندک چادرهای موقتی اسکان زلزله‌زده‌ها، تصمیم می‌گیرند نماینده‌ای انتخاب کنند تا مسئولان بتوانند به مشکلات آن‌ها رسیدگی کنند. یکی از افراد می‌گوید: «به نظر من عمو کاووس باید نماینده شه، چون هم زیرکه هم یک چمدان تجربیات داره با خودش حمل میکنه». فرد دیگری ادامه می‌دهد: «حیف که نمایندگی شرایط سنی دارد، وگرنه عمو کاووس بهترین گزینه است». سپس کیوان، پدر داماد نوری می‌گوید: «آقایان همون عمو کاووس بشـــه خوبه، کاووس نشـــه چون افکار عمومی نســـبت به نوری بی‌اعتماد شده مجبورم من بیام میدان، اجازه بدید من همینجوری تو سایه باشم». سپس جوان‌ترین فرد جمع می‌گوید: «من میخوام نماینده بشم. اگه نماینده نشم این انرژی‌ام رو کجا تخلیه کنم؟». فرد دیگری، به نام سیروس می‌گوید: «دوستان بنده مجردم، وقت زیادی دارم. اگه اجازه بدید می‌خوام شانس خودم رو در عرصهٔ نمایندگی امتحان کنم». کاووس بیان می‌کند: «تو زمان‌بندی قرص‌های مامانت رو نمی‌تانســـتی مدیریت کنی، سه بـــار اون پیرزن تا دم مرگ رفت و برگشت، اون وقت می‌خوای نماینده بشی تو؟». سیروس پاسخ می‌دهد: «عمو کاووس شما اجازه بده من رأی جمع بکنم، به نفع شما می‌کشم کنار». کاووس می‌گوید: «به نظر من نماینده یعنی سیروس». خلیل به کاووس می‌گوید: «نمایندهٔ مردم باید از جنس مردم باشد، دردکشیده باشد، فقیر باشد، نه مثل تو که پولش از پارو بالا میره».

سپس فریده، همســر کیوان، می‌گوید: «اصلاً کی گفته که نماینده باید مرد باشه؟». طاهره خانم ادامه می‌دهد: «بحث رو از حقوق زنان منحرف نکنید، من خودم یازده تا بچه دارم، اگه بهم بها داده نشه خوبه؟». خانم دیگری می‌گوید: «ای باریک‌الله طاهره خانم، یا مثلاً یکی مثل من با فوق دیپلم برای چه بره گوشه خانه بشــینه؟». که شیلان از او می‌پرسد:«جدی تو فوق دیپلم داری؟ خودت گرفتی یا خریدی؟».

جدول ۷. دلالت رمزگان سکانس صحبت‌های کنار چادر اسکان موقت برای نمایندگی

سطح تحلیل رمزگان	دلالت رمزگان
واقعیت	پوشش کردی اهالی، آب و اندک چادرهای اسکان نامناسب در فصل سرد زمستان برای زلزله‌زده‌ها
بازنمایی	کانون زاویه دوربین بر چادرهای اندک و رودخانه تأمین‌کننده آب شست‌وشو برای اهالی، انتخاب نماینده نه‌چندان جوان و بی‌تجربه و نه‌چندان پیر و کم‌انرژی، خوش‌وجهه و بااعتبار نزد مردم، مسئولیت‌پذیر، از قشر عامهٔ مردم، آشنا با مشکلات مردم، حمایت کاندیداها از یکدیگر، دانش و سواد و توانمندی زنان در انجام امور محوله، حسادت خانم‌ها نسبت به یکدیگر، خرید مدرک جعلی برای احراز مناصب اجتماعی
ایدئولوژی	برگزاری صحیح انتخابات و تعیین نمایندگان اصلح، برابری حق نمایندگی زنان و مردان، نفوذ افراد غیررسمی قدرتمند در تصمیم‌گیری‌های اجرایی

۸. در این سکانس اهالی روستا برای اینکه در شرایط سخت بعد از زلزله، در آموزش فرزندانشــان وقفه ایجاد نشود از معلم روستا می‌خواهند کلاس درس را، در فضای باز و هوای سرد زمستان تشــکیل دهد. کودکان را در ردیف‌های جلو می‌بینیم که منظم، کنار یکدیگر نشســته‌اند. زاویهٔ دوربین بر معلم و تخته متمرکز است. دختران کوچک، در صف اول، در حال نقاشی با مدادهای سبز و قرمز هستند.

بــه محــض ورود معلم به محل تشــکیل کلاس، روژان «برپا» می‌گوید و همه از جایشــان بلند می‌شوند. معلم از والدین حاضر می‌پرسد:«والدین اینجا چه کار می‌کنند؟». یکی از والدین پاسخ

می‌دهد:«آقا معلم گفتیم جلســه اوله بچه‌ها غریبی نکنند». بزرگسالان دیگر می‌گویند: «آقا معلم شما درست رو بده ما مزاحمتی برای شما نداریم و بعدشم از قدیم گفتند ز گهواره تا گور دانش بجوی». معلم پاسخ می‌دهد: «واسه این جلســه ایراد نــداره، ولی طبق استانداردهای بین‌المللی حضور والدین سر کلاس درس باعث میشــه تمرکز بچه‌ها مختل بشــه». معلم، با گرفتن ظرفی در دســت از بچه‌هــا می‌خواهد که یک بار الفبا را از اول تا آخر مرور کنند و شروع به نواختن و ضربــه زدن با دبه می‌کند که سیروس در اعتراض می‌گویــد: «آقا این قرطی بازیا چیه؟ خانواده اینجا نشسته، من بچه‌هامو آوردم کلاس درس نه کلاس رقص، بد آموزی داره».

جدول ۸. دلالت رمزگان سکانس کلاس درس در فضای باز

سطح تحلیل رمزگان	دلالت رمزگان
واقعیت	حضور منظم دانش‌آموزان در فضای باز و هوای سرد زمستان، استفاده کودکان از رنگ‌های شاد در نقاشی‌هایشان، حضور والدین در روز اول مدرسه
بازنمایی	تمرکز دوربین بر معلم و تخته، رعایت نظم و ترتیب و قوانین محیط آموزشی، امیدواری کودکان به آینده، احترام به معلم، حمایت والدین از فرزندان، تأکید بر فرایند مادام‌العمر آموزش و یادگیری
ایدئولوژی	جایگاه والای آموزش و معلم در جامعه، به عنوان مرجع مشروع و مقبول حوزهٔ آموزش در هر موقعیت و با وجود تفاوت بسیار روش‌های آموزشی قدیمی و جدید

۹. در سکانــس دیگــری کاووس و کیوان و نوری، سه عضو هیئــت داوران، برای تصمیم‌گیری در مورد جوایز جشن انار، دور هم جمع شده‌اند و کانون زاویهٔ دوربین بر ظروف پر از انار است. نوری: «یک نکته‌ای رو من اشاره بکنم. سه اصل اساسی که انسان را به راه راست هدایت میکنه و بدون پرسش و پاسخ در بهشــت ملق میزنه چیســت؟ ۱. ایمان به خدا؛ ۲. عمل به دستورات دین؛ و ۳. خدمت به مردم. ما الان میخوایم چه‌کار کنیم؟»

کاووس: «خدمت به مردم.»

نوری: « آفرین پس بشینید به مردم خدمت کنیم.»

کاووس: « این انار رو ببینید. عجب اناری! معرکه‌ست.»
کیوان: «مال باغ بیگ‌زاده است؟ همونی که باهاش شریکی.»
کاووس: «انار من تو راهه کیوان جان. ثانیاً این کیوان از خودش یه باغ انار نداره چه جوری هر سال تو هیئت داوراست؟ مشکوک نیست نوری؟»
نوری: «والله چه عرض بکنم. حتماً که نباید باغ انار داشته باشی. همین که نور چشـــمی باشی کفایت میکنه.»
کیوان: «آقا من نور چشمی. قبول. اما مهم اینه که همیشه بر اساس عدالت و انصاف رأی دادم.»
کیوان: «سیاه‌دانه فرد اعلا.»
نوری: «مال پاوه خودمانه.»
کیوان: «مثل قند میمانه. جایزه امساله باید بدیم به این.»
کاووس: «آخه کدام هیئت داوریه که بیاد به سیاه‌نمایی هم جایزه بده ؟»
نـــوری: «بابا عمو کاووس سیاه‌نمایی چیه عزیزم؟ این انار نژادش اینه. دانه سیاهه. ولی اینه نگـــاه کنید. به‌به. یاد اون شعر معروف میفتـــه: انار، صد دانه یاقوت، دسته به دسته، با نظم و ترتیب یک جا نشسته، باریکلا چقدر قنج و منج و جمع و جور در آمده، این کار کیه؟ باید جایزه بهش بدیم.»
کیوان: «نه آقا نوری. این فقط شکل و قیافه داره. توش خشـــکه. یه ذره هم آب نداره. اینه برای اونور آب‌ها عمل میارن. می‌برنش تو فستیوال‌های خارجی. کلی جایزه می‌بره.»
کاووس: «به نظر من انار واقعی یعنی انار باغ بیگ‌زاده. گفته باشم.»
نوری: «اگه جایزه رو بدیم به بیگ‌زاده، محمودی رو چه‌کار بکنیم؟ به هر حال این آدم پیشکسوته. از ما توقع داره.»
کیوان: «نه آقا محمودی نه. بابا اون سرمایه‌گذار باغش مشـــکوکه. از این پولای بادآورده داره. ما جایزه رو بدیم به اون فک می‌کنند که سبیل ما رو هم چرب کرده.»
کاووس: «نکرده ؟»
نوری: «آقا به نظر من ما باید جایزه رو بدیم به ولی خانی. بگو چرا؟ چون این آدم دهنش چفت و بست نداره. یه دفعه میره پشت میکروفون آفتابه می‌گیره رو همه‌مان. آبرومانه می‌بره. چون ایـــن بیـــگ‌زاده آدم پخمه و بیچاره‌ایه. جایزه هم بهش ندیم سرشـــه میندازه پایین میره خانه میشینه اخبارشه نگاه می‌کنه.»
کـــاووس: «من با نوری موافقم. منم حاشیه دوست نـــدارم. ۷، ۸ تا دیپلم افتخاره بدیمش به بقیه که برن خانه.»
کیوان: «نه آقا. ساریخانی با دیپلم افتخار رضایت نمیده. اون یه جایزه تپل‌تر می‌خواد، جایزه ویژه هیئت داوران رو میدیم به ساریخانی.»

کاووس: «خب شاه‌وردیه چه بکنیم؟»

نوری: «جایزه یک عمر باغداری بدون وقفه رو میدیم به شاه وردی.»

نـــوری: «آقا سیـــروس خودمانه چه‌کار بکنیم؟ یه ساله باغشـــه راه انداختـــه. جوانه. مجرده. من می‌ترسم بهش جایزه ندیم یه موقعی روحیه موحیه‌اش خراب بشه ها؟»

کیوان: «سیروس این چون باغشـــه بدون کود عمـــل آورده، جایزه انار هنر تجربه رو بدیم بهش. فقط نوری جان. آقای طالبیان یادت نره. اون دو ساله جایزه نبرده مثل انبار باروت میمانه.»

کاووس: «آقا جایزه انار معناگرا هم میدیمش به طالبیان.»

نوری : «انار معناگرا دیگه چیه؟»

کاووس: «معنا گرا، اناریه که برای خوردن نیست. با روح انسان ارتباط برقرار میکنه.»

کاووس(با دیدن پیامک): «آقا انار ما هم رسید. الان میریم اونجا انار واقعیه نشان شما دوتا میدم.»

جدول ۹. دلالت رمزگان سکانس جلسه هیئت داوران جشنوارهٔ انار

سطح تحلیل رمزگان	دلالت رمزگان
واقعیت	حضور هیئت داوران با پوشش کردی، در مکانی مناسب، با چهره خوشحال، در حال خوردن و بررسی انارها
بازنمایی	کانون زاویه دوربین بر ظروف پر از انار. انتخاب بازیگران کرد، کاربرد آموزه‌های هدایتگر اسلامی، تشبیه جشنواره فجر به جشنواره انار و جوایز آن، کاربرد کنایی استعاره "انار دانه‌سیاه" و "انار معناگرا" به ترتیب برای سیاه‌نمایی و بد جلوه دادن و مفهوم‌گرایی آثار هنری، حضور افراد بی‌تجربه و غیر متخصص و یا دارای تریبون و به اصطلاح نور چشمی در هیئت داوران، برتری نظرها و منافع شخصی در ارزیابی‌ها، انجام اعمال غیر قانونی (پرداخت و دریافت رشوه) برای کسب جوایز، بزرگ‌نمایی غیر کارشناسانهٔ آثار هنری، ارزیابی مغرضانه و برجسته شدن آثار هنری به‌ظاهر ساختارمند و اعطای جایزه به آن‌ها در جشنواره‌های خارجی
ایدئولوژی	عدم ارزیابی عادلانه آثار و تولیدات مردمی (از جمله جشنواره فجر)، نادیده گرفته شدن هنرمندان و تولید کنندگان آثار ارزشمند در جامعه

بحث و نتیجه‌گیری

سریال‌هـــای طنز تلویزیونـــی، از شیوه‌های اصلی بازنمایی زندگی روزمره بـــه شمار می‌آیند، چون نه‌تنها منبع اصلی اطلاعات هستند، بلکه نقش خطیری در شکل دادن به پندارهای افراد دربارهٔ جهان پیرامونی‌شـــان دارند. می‌توان گفت، سریال طنز، آیینـــه‌ای از واقعیت‌های اجتماعی است که با زبان طنـــز بازنمایانده می‌شوند و در آن، طنز و درگیری کلامی بین شخصیت‌ها و دیالوگ آن‌ها، به اندازهٔ طنز موقعیت و تصویر ارزشمند و لازم است. یکی از معیارهای ارزیابی یک سریال طنز تلویزیونی، کارکرد گفتمان تصویری موقعیتی و شوخی‌های کلامی و ترکیب متناسب این دو عامل است.

در سریـــال طنـــز نـــون.خ ، رفتارهای گفتمانی بازنمایـــی شده‌اند که به‌مثابـــهٔ تعریفی ضمنی از واقعیت‌های اجتماعی هستند. یافته‌های پژوهش که برای رمزگشایی دلالت‌های اجتماعی/ فرهنگی این سریال از رویکرد کیفی و روش نشانه‌شناسی فیسک استفاده کرده است. پس از واکاوی شیوه‌های

کدگذاری و بازنمایی الگوها و ارزش‌های گفتمانی و رمزگشایی از نشانه‌های شخصیت‌های داستان نشان داد:

- شخصیت‌های سریال از نظر جایگاه اجتماعی، ویژگی‌های اخلاقی منفی و مثبت، همچون یک فرد معمولی هستند و گاهی در تعامل با یکدیگر اختلافاتی دارند که همین مسئله ماجراهایی را در پیرنگ(ساختار) قصه رقم می‌زند. شخصیت‌ها، برای حل مشکلات، گاهی دست به کارهای غیـر اخلاقی می‌زنند که در این بین، هنجارهای رایـج همچون روابط فامیلی و قومی، رفاقت، همسایگی، ازدواج، احترام و تعهد گهگاهی شکننده است و طمع شخصی(مثلا شخصیت خلیل و سلمـان) این هنجارهای اجتماعی را تباه می‌کند؛ اما در لحظه‌های حسـاس منجر به همدلی می‌شـود. القای کمرنگ گفتمـان منفعت‌طلبی در مقابل گفتمـان همنوع‌دوستی در میان کردها مصداقی از این کارکرد گفتمانی است. می‌توان گفت روابط اجتماعی تفاهم، تفاوت و تعارض بازنمایی‌شده بیـن شخصیت‌ها، درنهایت بر الگوی گفتمان غالب تفاهمی در روابط آنان تأکید داشته است.
- نکتـهٔ زبانی بازنمایی‌شـده در سریال، استفاده از زبان کردی آمیختـه با فارسی به جهت حفظ اصالت زبان کردی است. زبان کُردی از لحاظ تاریخی، زیرشاخهٔ زبان‌های هندواروپایی و زبانی مسـتقل از زبان فارسی است. اما در این سریال، به شیوه‌ای تلاش شده تا زبان کردی، گویشـی وابسـته به زبان فارسی (به جای زبانی مستقل و کامل) بازنمایی شود؛ شاید به علت پخش این سریـال از شبکـه یک سیماست، تا زبان قابل فهم برای همـه بینندگان باشد. در واقع، مخاطب بـا لهجهٔ کردی قابل فهم مواجه می‌شود که بـا کاربرد ضرب‌المثل‌ها، استعاره‌ها، و شوخی‌های کلامی با مسئولان، به لذت کلامی از سریال منجر شده است.
- سبک زندگی و نقش خانه و خانواده در سریال، که بخشی از فرهنگ کردی را بازنمایی می‌کند از جمله، نقش مؤثر و مثبت زنان در ساختار و روابط خانه و خانواده، بیش از هر چیز مبتنی بر گفتمان همدلی و همبسـتگی است. در این سریال، با زنان توانمند و مؤثری مواجه هسـتیم که دوش‌به‌دوش مردان، مسـئولیت زندگی را به عهده داشته و حتی در جاهایی رهبری و مدیریت زندگی بر دوش آن‌هاست. خانواده‌دوستی و ایدئولوژی صمیمیت و تعاون بین اعضای خانواده، بازنمایی نقش سنتی و نقش اجتماعی زنان و مسـئولیت‌های درون خانه با مسئولیت‌های بیرون از خانـه، در تقابل با یکدیگر و تعـارض قرار ندارند. این عدم تعارض و فعالیت‌های اجتماعی زنـان، عادی‌انگاری و نهادینه شده است و سریال، گفتمان تقسـیم کـار سنتی بین زن و مرد و تفاهم و همکاری در تقسـیم مسـئولیت‌ها را، به صورت آشکار و ضمنی دلالت می‌کند. به نظر می‌رسد در مورد بازنمایی مناسبات جنسیتی، بازنمایی زنان و مردان در این سریال تلویزیـونی، بـا نقـش‌هـای کلیـشـه‌ای فرهنگی یا تصورات قالبی جنـسیتی در جامعه سازگاری ندارند. در واقع زنان و مردان، با وجود تفاوت‌های جنسـیتی به صورت انـسـان‌هـایی فعال، با اهمیت و

مقتدر به تصویر کشـیده می‌شوند و نقش‌هـای متنوعـی را ایفا می‌کنند کـه موفقیـت در آن‌هـا مسـتلزم مهارت حرفه‌ای، کفایت، و قدرت است. به عبارتی، ویژگی‌های یکسـان دیالوگ‌ها و بازنمایی نقش و منزلت زنان و مردان بـه ایـن صـورت، بـر ماهیـت نقش‌های برابر جنسـیتی صحه می‌گذارند.

- در سریال نون. خ که مبتنی بر دیالوگ‌ها و طنزهای کلامی و موقعیت‌های کمدی است، تقریباً عموم بازیگران در لوکیشن‌های موجود، درگیر اتفاق‌های ملموس برای مخاطب هستند. سطح دیالـوگ و گفتمان، بازنمایی کنایی هنرمندانه، مشـکلات ساختـاری و آسیب‌های اجتماعی و اقتصـادی از جمله سوء مدیریت مسـئولان، عدم نظارت کافی بر امور، مدرک‌گرایی و در پی آن ارزشگذاری به مدارک جعلی در کسـب مناصب، تصمیم‌گیرندگان قدرتمند پشت پرده، بیکاری و مشکل‌های معیشتی، عدم پوشش کافی بیمه‌های درمانی، و مشکل‌های پس از حوادث غیر مترقبه همچون زلزله است. سریال سعی داشته، با به تصویر کشـیدن مشـکل‌های درون جامعهٔ روستایی، به‌ویژه پس از رخداد زلزله و از طریق گوشزد کردن کنایی و طنزآمیز مسائل اجتماعی به مسئولان، گفتمان همبستگی جامعهٔ اصالت‌گرا را در تحمل مشکل‌ها، به عنوان راه حل گفتمانی این چالش‌ها، بازنمایی کند.
- رفتار انسان، به سنت‌ها و آیین‌های زندگی اجتماعی، خانوادگی، ازدواج، آموزش و پرورش و غیره وابسـته است. به نظر می‌رسد در این سریال، بازنمایی گفتمان سنت‌گرایی در حد افراطی نیسـت و قابلیت درک و شناخت اقتضائات جامعهٔ معاصر را هم دارد و در واقع، تداوم گفتمان سنت و اصالت‌گرایی، با پویایی کارکردهای آن تحقق یافته و منشـأ آن تضعیف نشـده؛ بلکه با کمک ابزار قدرتمند رسانه‌ای باز تولید شده است.
- در پس ظاهر طنز سریال تلویزیونی نون. خ تصاویر مفهومی در این سریال، دلالت‌های دیگری را نیز به همراه دارد. مردم دیار کردستان مصمم به باورهای خود هستند که نمونهٔ آن حفظ لباس، زبان، آیین‌هـا و رسوم کردی است؛ حفظ این گفتمان اصالت‌گرای فرهنگی، در سراسر سریال بازنمایی شـده است. شخصیت‌های سریال، که با شرافت زندگی خـود را می‌گذرانند، عموماً پوشش و لهجه کردی خود را به‌درستی حفظ کرده و روی اصالت خود تأکید دارند. در الگوهای بازنمایـی سریال، بـا تقابل افراد مدرن و سنتی در شیوهٔ پوشـش و ویژگی‌های اخلاقی مواجه نیستیم. بازنمایی نوع لباس زنان و مردان مسن از نوع متعارف کردی و لباس زنان و مردان جوان آمیخته‌ای از لباس کردی و غیر کردی قابل مشـاهده است. به علاوه، شاهد بازنمایی و نگاهی عمیق به فرهنگ و آداب و رسوم کردها، در زمینهٔ ازدواج سنتی هستیم که با دلالت‌های رسانه‌ای مختلفی رمزگذاری شده‌اند. ضمن توجه به برخی مشـکل‌ها و چالش‌های معیشـتی، بازنمایی کردهـا در این سریال به صورت برجسـته کردن چهرهٔ پهلوانی و داش مشـتی و پررنگ جلوه دادن چهرهٔ تعاملی، مهمان‌نواز، محبت‌آمیز، با آستانهٔ تحمل بالای آنان در شرایط سخت زندگی

است؛ که صبر و تحمل و فرهنگ مدارا و تاب‌آوری کردها را نیز به‌درستی دلالت می‌کند.

- در ایـــن سریال بازنمایی کلاس درس دانش‌آمـــوزان، در شرایط بحران بعد از زلزله حاکی از ارزشمنـــدی گفتمان آمـــوزش و یادگیری مداوم و احترام به مقام معلم در بین قوم ایرانی کرد است.
- یکـــی دیگـــر از جلوه‌های دیداری فرهنگ کردی در سریال نـــون. خ، استفاده از رقص سنتی و موسیقی کردی، در صحنه‌های متناسب با آن و نیز در تیتراژ ابتدا و آخر سریال است که هم ریتم و ضرب‌آهنگ خوبی به روایت داستان می‌بخشد و هم بخشی از گفتمان فرهنگ وحدت‌گرا و جمع‌گرای کرد را، در لحن موسیقایی آن به نمایش می‌گذارد. در واقع رقص کردی یک کنش و شـــادی جمعی، نه مبتنی بر حرکات مـــوزون فردی است و بازنمایی این عنصر در این سریال مصداقی بر ترویج الگوی جمع‌گرایی است.
- متن سریال نون. خ، توانمندی‌های هنر و صنایع کردی را، در دل قصه بازنمایی می‌کند و برخی. آداب و رســـوم کردهـــا و یا محصولات این منطقه را از جمله تخمه و انار، در بیشـــتر مراسم به تصویر می‌کشد. سکانس‌های مربوط به نمایشگاه صنایع دستی یا جشنوارهٔ انار، یکی از بهترین تمهیدات دراماتیک برای بازنمایی توانمندی‌های سنتی و بومی مناطق کردنشـــین است که فارغ از کارکـــرد طنز آن، به فرصتی برای بازنمایی سابقهٔ تمدن و صنعت و هنر یک قوم ریشـــه‌دار و اصیل بدل شده است. به علاوه، شاهد به‌روز بودن و آشنایی با مظاهر تمدن مدرن هم هســـتیم، کـــه در ظاهر شخصیت‌هـــای سریال و دیالوگ‌ها و شوخی‌های کلامـــی قابل ردیابی است. این بخش، یکی دیگر از خصلت مردم مناطق کردنشـــین را همنشـــینی خلاقانه و اخلاق‌گرایانه بین سنـــت و مدرنیســـم بازنمایی می‌کند و در واقع تأکیدی بر پویایـــی و زنده بودن قوم و فرهنگ کـــردی است. این سریـــال، به‌درستی از ظرفیت نمایشـــی گفتمان سنت‌هـــا و فرهنگ کردی و جذابیت‌هـــای فولکوریک آن، از جاذبه‌های دیداری مثـــل زیبایی‌های طبیعت، رنگ، لباس‌های شـــاد و لهجه شیرین کردی گرفته تا فرهنگ‌های رفتاری، مثل وحدت و همدلی و همبســـتگی کردهـــا، جهت بیان روایت استفاده کـــرده است. اغلب سکانس‌های سریال، پُر کاراکتر است که گفتمان و فرهنگ جمع‌گرای کردی را بازنمایی می‌کند. اهمیت رنگ، در فرهنگ کردی هم در طراحی لباس و هم در طراحی صحنه قابل ردیابی است که نشاط و گرمی فرهنگ کردی را، در قاب‌های زیبایی‌شناسانه، صورت‌بندی می‌کند.
- کُرد بودن کارگردان سریال و نیز شخصیت اصلی قصه سعید آقاخانی، و استفاده از برخی بازیگران کرد مثل سیروس میمنت و دیگران، کمک کرده تا مؤلفه‌های گفتمان فرهنگ کردی و اعتبار و جایگاه تاریخی آن را، به عنوان بخشی از فرهنگ بومی ایران زمین، بازشناساند. نون. خ، با تکیه بر سنن کردی و طنز و شوخی‌های کلامی، یک سریال طنز خلاقانه ایرانی است که توانسته ساده‌زیستی، موسیقی غنی، قناعت، فرهنگ و اصالت کردها و طبیعت زیبای کردستان را دلالت کند.

در کل می‌تـوان گفـت این سریـال، به‌مثابهٔ یـک متن مضامیـن خاصی را در قالـب گفتمان‌های غالـب سنت‌گرایی، جمع‌گرایی، همنوع‌گرایی، طبیعت‌گرایی، از خود گذشتگی و انسـانیت‌گرایی مردم‌سالارانه، و به واسطهٔ مجموعه‌ای از نمادها، کنش‌ها، موقعیت‌ها، دیالوگ‌ها و الگوهای رفتاری برساختـه و این ایدئولـوژی را با بازنمایی تیپ‌های اجتماعی متعدد و برساخت همسـان‌گرایی بر مبنـای جایگاه کانونی ارزش‌های مشـترک فرهنگی جامعهٔ ایرانی ـ اسلامـی به‌خوبی بازنمایاند و ترویج‌دهندهٔ این گفتمان‌ها باشد که در راستای کارکردهای گفتمانی غالب در سریال، تغییرات زاویهٔ دوربین، نوع نما و نورپردازی مناسب برای انتقال حس و حالت نقش‌های گوناگون و البته یکسـان و فارغ از جنسیت صورت گرفته است.

شایـان ذکر است، لحن و عوامل زنجیری کلام همچون کشـش آواهـای مصوت، زبان بدن و موسیقی پس‌زمینهٔ سریال و در نتیجهٔ تعامل عناصر زبانی و غیر زبانی نیز می‌توانند در شیوهٔ بازنمایی و دلالـت گفتمانی مؤثر باشند. با توجه به اینکه متن مورد تحلیل، متن دیداری تلویزیونی بوده و به متن نوشتاری تبدیل و تحلیل شده است، به دلیل همسـو نبودن آن‌ها با هدف تحقیق به این عوامل پرداخته نشده است. درنهایت، در راستای رسالت رسانهٔ پرمخاطب تلویزیون، جهت ایجاد و تقویت حس اتحاد و همدلی در جامعهٔ ایران، پیشـنهاد می‌شود با همت برنامه‌سازان تلویزیونی، اقدام‌هایی در جهـت بومی‌سازی هرچه بیشـتر تولیدات نمایشـی، با تکیه بر قابلیت‌هـای فرهنگ سایر اقوام ایران‌زمین و بازتولید سبک زندگی ایرانی با مؤلفه‌های بومی صورت گیرد.

منابع

اتابک، محمد و محمد عزیزی. ۱۳۹۷. " روایت تلویزیونی و فرهنگ: تحلیل نشانه‌شناختی ارزش‌های غالب در سریال تلویزیونی پایتخت ۵". فصلنامهٔ جامعه، فرهنگ، رسانه. دورهٔ ۷. شمارهٔ ۲۹. ۷۹-۱۰۲.

احمدی، بابک. ۱۳۸۲. ساختار و تأویل متن. تهران: نشر مرکز.

استریناتی، دومینیک. ۱۳۹۲. مقدمه‌ای بر نظریات فرهنگ عامه. ترجمهٔ ثریا پاک نظر. تهران: انتشارات کتابخانه فروردین.

استوری، جان. ۱۳۸٦. مطالعات فرهنگی در فرهنگ عامه. ترجمهٔ حسین پاینده. تهران: نشر آگه.

اکو، اومبرتو. ۱۳۸۹. نشانه‌شناسی. ترجمهٔ پیروز ایزدی. تهران: انتشارات ثالث.

آسابرگر، آرتور. ۱۳۸۹. روش‌های تحلیل رسانه‌ها. ترجمهٔ پیروز اجلالی. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

بارت، رولان. ۱۳۸٦. لذت متن. ترجمهٔ پیام یزدانجو. تهران: نشر مرکز.

بارت، رولان. ۱۳۹٤. اسطوره امروز. ترجمهٔ شیرین‌دخت دقیقیان. چاپ هفتم. تهران: نشر مرکز.

بروجردی علوی، مهدخت؛ سیدمحمد مهدی‌زاده طالشی و محسن شاکری‌نژاد. ۱۳۹۸. "بازنمایی زنان چادری در سریال‌های تلویزیونی ایران". فصلنامهٔ رسانه‌های دیداری و شنیداری. دورهٔ ۱۳. شمارهٔ ۲۹: ۱۸٤-۲۰۷.

بشیر، حسن؛ حسن مسعودی و پروانه صفیه. ۱۳۹۷. " تحلیل گفتمان سریال پایتخت ٤: بازنمایی تعارض نقش سنتی

با نقش اجتماعی زن ایرانی". فصلنامهٔ زن در فرهنگ و هنر. دورهٔ ۱۰. شمارهٔ ۱ : ۷۵-۹۵.
چندلر، دانیل. ۱۳۸٦. مبانی نشانه‌شناسی. ترجمهٔ مهدی پارسا. تهران: انتشارات سوره مهر.
سپهری، محمدباقر. ۱۳۹۸. " بازنمایی آسیب‌های اجتماعی در سریال‌های تلویزیونی (تحلیل محتوای سریال‌های شبکه سبلان اردبیل در طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۹۵)". فصلنامهٔ مطالعات رسانه‌ای. دورهٔ ١٤. شمارهٔ ٤: ۱۳۱_ ١٤٥.
سجودی، فرزان. ۱۳۸۷. نشانه‌شناسی کاربردی. ویرایش دوم. تهران: نشر علم.
شامخ نیا، راضیه؛ محمد مظلوم خراسانی و محسن نوغانی دخت‌بهمنی. ۱۳۹۸. "بازنمایی کلیشه‌های قومی در سریال‌های تلویزیون (بازه زمانی ۱۳۸۰-۱۳۹۲)". دوفصلنامه رسانه و فرهنگ. دورهٔ ۹. شمارهٔ ۲: ۱۱۱-۱۳۰.
شعیری، حمیدرضا. ۱۳۸۸. "از نشانه‌شناسی ساختارگرا تا نشانه- معناشناسی گفتمانی". فصلنامهٔ نقد ادبی. سال دوم. شمارهٔ ۸: ۳۳-۵۱.
فیسک، جان. ۱۳۷٦." فرا نوگرایی و تلویزیون".ترجمهٔ حسام‌الدین آشنا. فصلنامهٔ رسانه. سال هشتم. شمارهٔ ۳: ۱-٦
فیسک، جان. ۱۳۹۰." فرهنگ تلویزیون". ترجمهٔ مژگان برومند. ارغنون. شمارهٔ ۱۹: ۱۲۵ _ ۱٤۲.
کسرایی، محمدسالار و پروشات مهرورزی. ۱۳۹٦. "بازنمایی نقش اجتماعی زنان در سینمای پس از انقلاب ایران،مطالعه موردی دو فیلم یه حبه قند و فروشنده". دوفصلنامهٔ جامعه پژوهی فرهنگی. سال هشتم. شمارهٔ ٤: ۱۵۹-۱۹۲.
کوارد، روزالیند و جان الیس. ۱۳۸۰." اس. زد." در ساختگرایی، پسا ساختگرایی و مطالعات ادبی (مجموعه مقالات). ترجمهٔ فرزان سجودی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
گیل، دیوید و بریجت آدامز. ۱۳۸٤. الفبای ارتباطات. ترجمهٔ محمد نبوی. مهران مهاجر. رامین کریمیان. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
محمدی، فردین. ۱۳۹۵. "تربیت نسل جدید، دال شناور جدال گفتمانی در ایران: تحلیل گفتمان سریال ستایش با رویکرد لاکلاو و موفه" . فصلنامهٔ راهبرد اجتماعی فرهنگی. سال پنجم. شماره ۱۸: ۱٤۵_۱۷۲.
مک‌کوایل، دنیس. ۱۳۸۲. درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی. ترجمهٔ پرویز اجلالی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
مکتبی اصل، سیدصفر و علی جعفری. ۱۳۹۵. "بازنمایی سبک زندگی خانواده ایرانی در سریال‌های تلویزیونی". کنگره بین‌المللی مطالعات رفتاری جامعه و سبک زندگی سالم. تهران: مرکز توانمندسازی مهارتهای فرهنگی و اجتماعی جامعه.
مهدی‌زاده، سیدمحمد. ۱۳۸۷. رسانه‌ها و بازنمایی. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
میلز، سارا. ۱۳۸۲. گفتمان. ترجمهٔ فتاح محمدی. زنجان: نشر هزاره سوم.
ون دایک، تئون. ای. ۱۳۸۲. مطالعاتی در تحلیل گفتمان. گروه مترجمان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
هال، استوارت. ۱۳۸٦. غرب و بقیه: گفتمان و قدرت. ترجمهٔ محمود متحد. تهران: انتشارات آگه.
هرمزی‌زاده، محمدعلی؛ سیاوش صلواتیان و سیدهادی قاسمی‌تبار. ۱۳۹۷. " بازنمایی روابط خانوادگی در فصل‌های چهارگانه مجموعه تلویزیونی پایتخت". فصلنامهٔ خانواده پژوهی. شمارهٔ ۱. ۷-۲۲.
یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس. ۱۳۸۹. نظریه و روش در تحلیل گفتمان. ترجمهٔ هادی جلیلی. تهران: نشر نی.

Brown, G. and G. Yule 1989. *Discourse Analysis*. Cambridge.

Chandler, Daniel. 2002. *Semiotics, The Basics*. London: Routledge.

Danesi, Marcel.2004.*Messages, Signs and Meanings.* Toronto. University of Toronto Press.

Fiske, John, & Hartley, John. 2003. *Reading Television*. Oxford. Routledge.

Hall, Stuart. 1997. *The work of representation, In cultural representation and signifying practice*. London: Sage publication.

Hall, Stuart. 2003. *The work of representation, In cultural representation and signifying practice*. London: Sage publication.

Johansen, Jorgen Dines, & Larsen, Svend Erik. 2002. Signs in Use: *An Introduction to Semiotics,* (Translated by J. Irons.). New York: Routledge.

Martin,Bronwen.& Ringham, Felizitas.2000. *Dictionary of Semiotics*. New York: Cassell.

Sebeok, Thomas A. .1994. *An Introduction to Semiotics.* Toronto. University of Toronto Press.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی